

صبح ایران

فرهنگی-هنرورسیدنی
و نثر

حجت الاسلام دکتر حسن رضایی مهر، استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم از مهم ترین نقش رئیس مکتب جعفری می گوید

امام صادق (ع) پیشوای تمدن ساز

دگردیسی تصویر پاپ در هالیوود

به بهانه درگذشت پاپ، به بررسی سیر تحول بازنمایی این شخصیت در هالیوود پرداختیم

۱۰/۴



سینمای ایران سرگردان بین گیشه و هنر

کارشناسان «مدرسه نقد» مدیریت فرهنگی واحد راباعت رشد سینمای ایران می دانند

۹۰۸/۴



سریال هایی که اخلاق را نشانه گرفته اند

سریال مثل هر پدیده فرهنگی می تواند نقش بزرگی در بنیان های اصلی شخصیت مان داشته باشد

۷/۴



زاویه دید

یادداشت

شاید شما هم این پرسش را داشته باشید!

بسیاری از خود می پرسند چرا بعضی از کشورهای آمریکای لاتین با اسرائیل قطع رابطه می کنند در حالی که برخی از کشورهای مسلمان نظیر مراکش، عربستان سعودی و ترکیه به روابط خود با رژیم صهیونیستی ادامه می دهند؟ این پرسش مهمی است که باید در جهت کشف پاسخ آن کوشید. اخیراً خبر تظاهرات در مغرب در رسانه ها منتشر شد و دلیل آن پهلو گرفتن یک کشتی با محموله و تسلیحات برای رژیم صهیونیستی در بنادر مغرب بود.

این پرسش را به صورت دیگری هم می توان مطرح کرد؛ این که چرا رژیم های حاکم بر کشورهای آمریکا، مغرب، ترکیه، عربستان و ... رابطه نزدیکی با اسرائیل دارند و رژیم آفریقای جنوبی و کشورهای آمریکای لاتین در مقایسه با رژیم های عربی [به جز یمن و عراق] احساس نزدیکی بیشتری با مردم فلسطین می کنند؟ واقعیت این است که رژیم آمریکا و بعضی از رژیم های حاکم بر کشورهای اسلامی و عربی نظیر ترکیه و مغرب مانند هم در تجارت جهانی با شرکت های صهیونیستی هم سود و هم سو هستند و مردم آمریکای جنوبی و آفریقای جنوبی همان تازیانه هایی را از استعمار و استبداد غربی خورده اند که مردم غزه آنها را تجربه کرده اند. به عبارت دیگر آمریکا همان اسرائیل بزرگ است و اسرائیل نیز همان آمریکای کوچک. همه وابستگیان به آمریکا نمی توانند به اسرائیل وابسته نباشند کما این که همه تازیانه خورده هایی که زخم تازیانه غرب را بر پیکر خود دارند، نمی توانند با فلسطین همدردی و همذات پنداری نکنند.

هرکس با فلسطینی ها همذات پنداری نمی کند، نوعی مشابَهت و موافقت با آمریکایی ها دارد کما این که هرکس که به سوی آمریکایی ها تمایل پیدا می کند در ذات و سرشت خود نوعی مشابَهت و موافقت با دشمنان فلسطین دارد. در این کشاکش با این سخن آن پژوهشگر عرب باید هم صدا شد که گفت: « امروز مسأله این نیست که در جهان اسلام چه کسی چه مذهبی دارد بلکه مسأله امروز این است که چه کسی با محور مقاومت اسلامی است و چه کسی نیست؟ » یعنی چه کسی همراه شهید سلیمانی ها و اسماعیل هنیه ها و سید حسن نصرالله ها و سید عبدالملک حوثی هاست و در خط مقام معظم رهبری است و چه کسی نیست. یاد دکتر شریعتی به خیر که گفت: آنها که رفقه اند کاری حسینی کرده اند و آنها که مانده اند، باید کاری زینی کنند، وگرنه یزیدی اند، بدرود.



دکتر محمد حسن زورق نویسنده پژوهشگر

میراث شیخ بهایی برای نسل امروز

شیخ بهایی نمونه ای درخشان از یک اندیشمند چندوجهی است

که میراث فرهنگی، علمی و ادبی ایران را به شکلی گسترده و متنوع غنا بخشیده است

از مهم ترین آثار تفسیری او شامل «العروه الوثقی»، «تفسیر سوره فاتحه»، «حاشیه بر تفسیر بیضاوی» و «مشرق الشمسین» است. روش تفسیری شیخ بهایی، شیوه تفسیری قرآن به قرآن و استناد به روایات معصومان و بررسی دقیق تلفظ آیات است. او همچنین به قرائات مختلف توجه می کرد.

علاوه بر جنبه های علمی و ادبی و تفسیری باید اذعان کرد که شیخ در معماری نیز دستاوردهای مهمی داشته است. در شهر اصفهان بناهایی موجود است که به شیخ بهایی نسبت داده شده. این در حالی است که این آثار فاقد نام و نشانه ای از این معمار بزرگ هستند. برای یافتن پاسخ به عدم وجود نام شیخ در این بناها نخست لازم است که عملکرد استادان، معماران، بنایان و مهندسان در طول تاریخ معماری اسلامی بررسی شود که در این زمینه، عوامل مختلفی تأثیرگذار است. نخست آن که منابع و اسناد مربوط

به بناهای اسلامی آنچنان که باید غنی نیست. دیگر آن که شیوه ثبت نام معماران در نقاط گوناگون و دوره های مختلف تاریخ متفاوت بوده و مفهوم «معمار» در زمان ها و مکان های مختلف تغییر کرده است.

به علاوه مهندسان و معماران پس از پایان مرحله سفت کاری، کار خود را تمام شده تلقی کرده و مراحل تزئین و نماسازی را به هنرمندان و صنعتگران دیگر واگذار می کردند. باتوجه به اهمیت هندسه، ریاضیات، مکانیک کاربردی و اصول طراحی در معماری اسلامی، می توان به این نتیجه رسید که شیخ بهایی با تبحر در این علوم، سهم بسزایی در شکل گیری و خلق این آثار داشته است، حتی اگر نام او به صورت مستقیم در میان اسناد تاریخی مربوط به بناها ثبت نشده باشد.

شیخ بهایی شخصیتی چندبعدی و تأثیرگذار در تاریخ فرهنگ و علم ایران به شمار می رود و خدماتش در

می توان به تقسیم آب زاینده رود، طراحی مسجد امام اصفهان، تعیین جهت قبله مسجد امام و ساخت حمام شیخ بهایی اشاره کرد. علاوه بر اینها، شیخ بهایی شاعر و ادیبی توانمند نیز بود و آثاری ادبی از خود برجای گذاشت. شیخ بهایی به ادبیات و طنزپردازی نیز علاقه داشت. یکی از آثار مشهور او «کشکول» است که مجموعه ای از حکایت ها، نکته ها، اشعار و لطایف را دربر می گیرد. این کتاب، نه تنها حاوی مطالب علمی و دینی بود بلکه به نوعی نقش سرگرم کننده داشت و جایگاهی مشابه رمان های امروزی را برای مردم ایفا می کرد. شیخ با اطلاع از دانش و علوم رایج زمان خود، در آثارش به نقد فساد اخلاقی و اجتماعی پرداخته است.

نقد او نه تنها رفتارها و باورهای حاکم بر جامعه را زیر سؤال می برد بلکه در قالب رویکردی عرفانی، گاه از دیدگاه یک عارف رند و آزاد، به نقد زاهدنمایان و عارف نمایان نیز توجه دارد. علاوه بر این، در برخی آثار خود، روابط میان طبقات اقشار فرودست را واکاوی کرده است.

نگاه انتقادی شیخ بهایی به مسائلی چون ریاکاری، تعصب، فریبکاری، جمود فکری و دنیاطلبی در رفتار برخی افراد، ازجمله عالمان مدرسی، فقیهان متعصب، اشراف و زاهدان بی انعطاف دیده می شود. همچنین، استبداد و فضای بسته حاکم بر دستگاه سیاسی آن دوران، انگیزه ای مهم برای پرداختن او به نقد اجتماعی بوده است. ریاکاری همواره یکی از آسیب های جدی تمدن ها و حکومت ها بوده و شیخ بهایی با دیدگاه انتقادی خود، این موضوع را از منظر اخلاقی و اجتماعی تحلیل کرده است.

در تحلیل آثار شیخ بهایی، نمی توان از روش تفسیری او چشم پوشی کرد.

او در طول زندگی خود، به تفسیر قرآن کریم توجه ویژه ای داشت و آن را اشرف علوم می دانست. برخی

در تقویم ایرانی، سوم اردیبهشت، روز بزرگداشت شیخ بهایی و روز معمار نامیده شده است. بهاءالدین محمد بن حسین عاملی، مشهور به شیخ بهایی، یکی از برجسته ترین دانشمندان ایرانی در دوران صفوی بود که نه تنها در حوزه های فقه، اصول، حدیث، تفسیر، ریاضیات، نجوم، ادبیات، معماری، مهندسی و موسیقی تبحر داشت بلکه در نقد اجتماعی و ادبی نیز آثار قابل توجهی برجای گذاشته است.

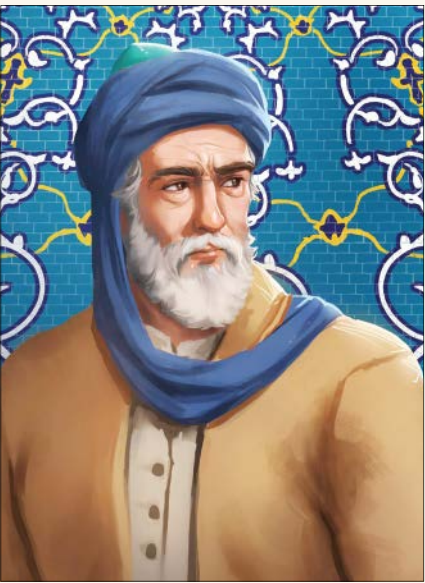
شیخ بهایی در خانواده ای اهل علم پرورش یافت. پدر او، عزالدین حسین عاملی، از علمای برجسته جبل عامل و شاگرد شهید ثانی بود. عزالدین حسین، به دلیل فشارهای سیاسی عثمانیان، به ایران مهاجرت کرد و در دستگاه حکومت صفوی جایگاهی مهم یافت. این انتقال به ایران، مسیر زندگی شیخ بهایی را تغییر داد و او را به یکی از تأثیرگذارترین چهره های علمی و فرهنگی ایران تبدیل کرد.

او در علوم مختلف مهارت داشت و بسیاری از آثارش به بررسی و حل مسائل پیچیده علمی و فقهی اختصاص دارد. شیخ بهایی به عنوان شیخ الاسلام اصفهان در گسترش مذهب شیعه و ترویج اندیشه های علمی و فلسفی نقش مهمی ایفا کرد و آثار متعدد و ارزشمندی در زمینه های مختلف برجای گذاشت که همچنان مورد توجه پژوهشگران قرار دارد.

او همچنین در ریاضیات و نجوم صاحب دانش بود. یکی از مهم ترین کتاب های او در این زمینه «خلاصه الحساب» است که مباحثی مانند محاسبه ارتفاعات، تعیین قبله و مساحت اشکال هندسی را بررسی می کند. او در مسائل فقهی از محاسبات ریاضی بهره می برد، به گونه ای که در کتاب «حبل المتین» به بررسی دقیق اندازه گیری آب کر با استفاده از اصول هندسی پرداخته است. شیخ بهایی در عرصه معماری و مهندسی نیز دستاوردهای قابل توجهی داشت که از جمله آنها



هما شهرام بخت نویسنده پژوهشگر



زمینه های علمی، دینی، فرهنگی و هنری همواره مورد توجه و تقدیر بوده است. او نمونه ای درخشان از یک اندیشمند چندوجهی است که میراث فرهنگی، علمی و ادبی ایران را به شکلی گسترده و متنوع غنا بخشیده است. او با تسلط بر علوم مختلف، نه تنها در خدمت حل مسائل پیچیده زمان خود بود بلکه با رویکردی انتقادی و تفسیری، دیدگاه های نوین و تأثیرگذاری در زمینه های اجتماعی، دینی و فلسفی ارائه کرد.

از سوی دیگر، علاقه مندی او به ادبیات و طنز، به ویژه توانایی او در نقد اجتماعی، وجه دیگری از شخصیت او را نشان می دهد؛ چهره ای که به عمق مسائل اخلاقی و اجتماعی زمان خود پرداخته و با دیدگاه های روشنگرانه اش، شجاعانه به نقد فسادها و نابرابری ها می پرداخت. همین جامعیت و نگاه همه جانبه، او را به الگویی بی نظیر تبدیل کرده است.

نبوغ معماری و مهندسی او گواهی بر درک عمیقش از ارتباط میان علم و هنر است؛ به گونه ای که آثار معماری او نه تنها زیبایی بصری بلکه کارایی عملی را نیز به همراه داشت. شیخ بهایی توانست با ترکیب دانش ریاضی و هندسه با اصول اسلامی، بناهایی بسازد که همچنان مایه تحسین و پژوهش است.

شیخ بهایی میراثی به یادگار گذاشت که نه تنها نمایانگر مهارت ها و دانش اوست بلکه پیامی به جاودانگی علم و فرهنگ برای نسل های آینده دارد؛ میراثی که همچنان الهام بخش پژوهشگران، هنرمندان و اندیشمندان است. او شخصیتی است که در تاریخ ایران، به عنوان نماد تعادل میان علم، هنر و اخلاق شناخته می شود.